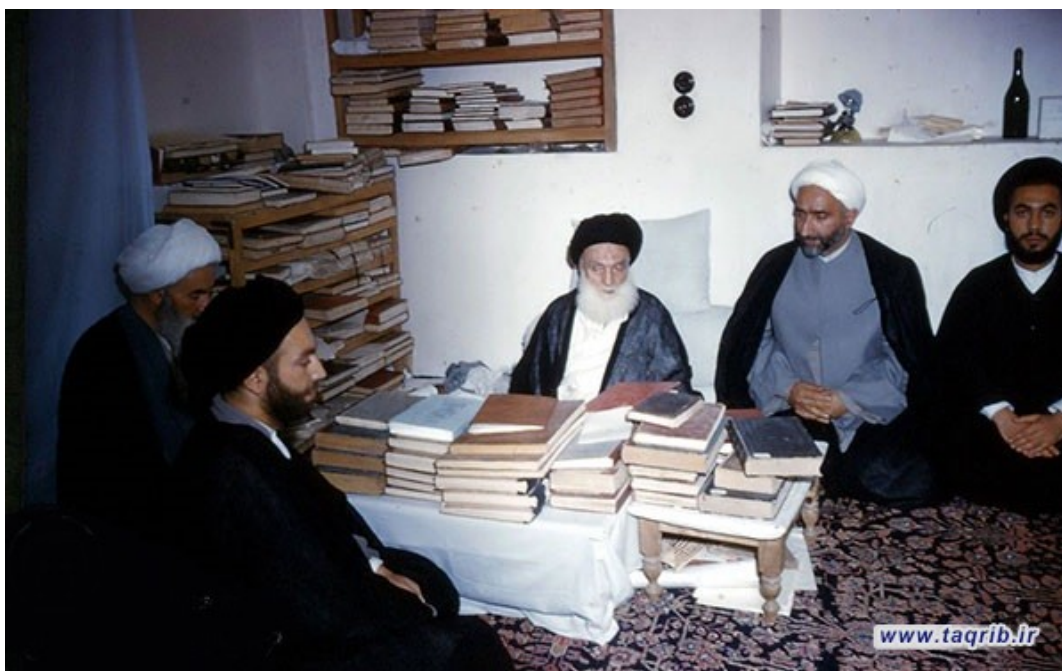


احیای گفتگو از طریق اعزام مبلغان به خارج از کشور



پس از سقوط پهلوی اول، عملکرد جریان مذهبی ایران را می‌توان در سه خط مشی فکری فدائیان اسلام، به رهبری [شهید نواب صفوی](#)، جناح سیاسی [آیت‌الله کاشانی](#) و جناح سنتی مرجعیت حوزه علمیه قم به زعامت [آیت‌الله بروجردی](#) مورد بررسی قرار داد. در این میان، آیت‌الله بروجردی، به عنوان رهبر جناح سوم، به بازسازی و انسجام و وحدت نهاد روحانیت پرداخت؛ به‌طوری که از یک سو زمینه‌های شکوفایی فقه شیعه در داخل و از سوی دیگر بسترهای گسترش تشیع در خارج از مرزهای ایران فراهم گردید. در این نوشتار کوتاه به بررسی یکی از سازوکارهای مهم شکوفایی و اشاعه فقه شیعه در فراتر از مرزهای ملی، یعنی اعزام مبلغ دینی به خارج از کشور، در دوران زعامت آیت‌الله بروجردی پرداخته خواهد شد.

احیای حوزه‌های علمیه در ایران: پیش‌نیاز تأسیس مراکز اسلامی خارجی

آیت‌الله بروجردی از اواسط دهه 1320ش تا اواخر دهه 1330ش به مدت یک دهه و نیم مرجعیت اعلم شیعیان را به عهده داشت. با نیل ایشان به این مقام به تدریج مرکزیت مرجعیت از نجف به قم منتقل شد. بررسی فعالیت‌ها و اقدامات آیت‌الله بروجردی در دوران زعامت شیعیان و ریاست حوزه علمیه قم نشان می‌دهد که ایشان با تدابیر خاص خود، در احیای آن حوزه اهتمام ورزید، به‌طوری که در مدتی

کوتاه حوزه علمیه قم را به مرکز ثقل حوزه‌های علمی در کشور تبدیل کرد.^[1]

در زمان رضاشاه حوزه‌ها و مدارس علوم دینی عملاً در محدودیت جدی قرار گرفتند و حتی برخی از آنها تعطیل شدند و با رشد جریان عرفی‌سازی جامعه در دوره پهلوی دوم، طرح‌های زیادی با هدف احیای حوزه‌های علمی و اصلاح وضعیت مذهبی موجود در جامعه معرفی شد.^[2] در این میان آیت‌الله بروجردی تلاش گسترده‌ای را آغاز کرد. ایشان با اعزام علمای زبده به حوزه‌های شهرستان‌ها، آنها را تحت حمایت خود قرار داد و نیز به تأسیس مدارس دینی در شهرستان‌ها اهتمام ورزید. این تکاپوها در نقاط مختلف کشور در ترغیب خانواده‌ها برای تحصیل فرزندان خود در حوزه‌ها و مدارس دینی مؤثر واقع شد و این امر، گسترش مدارس و افزایش تعداد روحانیون را در پی داشت.^[3] اقدامات آیت‌الله بروجردی سبب شد روحانیت به‌عنوان یک سازمان غیررسمی اما قدرتمند در قلمرو جغرافیایی ایران مطرح شود؛ به‌گونه‌ای که قم به پایگاه آموزشی - اسلامی و مرکز مبارزه با گرایش‌های غیردینی سلسله پهلوی تبدیل شد.^[4]

بدین‌ترتیب، با اصلاح کمی و کیفی سازمان روحانیت تحت نظر آیت‌الله بروجردی از سال 1325ش به بعد نفوذ روحانیت در جامعه بار دیگر افزایش یافت؛ به‌گونه‌ای که آیت‌الله بروجردی اندیشه ترویج اسلام شیعی به سایر نقاط دنیا را پیگیری نمود و با اقدام به اعزام مبلغانی به خارج از کشور به تأسیس مجدد مراکز علمی و دینی و فرهنگی جهت تبلیغ اسلام شیعی همت گمارد.

آیت‌الله بروجردی و اندیشه اعزام مبلغ به خارج از ایران

مستندات تاریخی از این امر حکایت دارد که گسترش و ترویج دین اسلام در تاریخ با مهاجرت علمای اسلام به بلاد مختلف صورت گرفته است. در واقع، نفوذ اسلام در [اروپا](#)، [آفریقا](#)، [آمریکا](#)، [آسیا](#) و... با حضور علما و روحانیون بوده است، ولی باید به این نکته توجه کرد که در وهله‌های تاریخی مختلف مهاجرت علما و تبلیغ دین، به‌صورت فردی بوده و روحانیون داوطلبانه و به تشخیص خود به امر تبلیغ دین می‌پرداختند.

اما [آیت‌الله بروجردی](#) کوشید تبلیغ دین را سامان بخشد و اندیشه اعزام طلاب به خارج از کشور برای نشر و ترویج اندیشه‌های شیعی را مطرح ساخت. به همین دلیل از دهه ۱۳۳۰ش به دستور ایشان، برخی از روحانیون توانمند و آگاه به مسائل دینی و فقهی به‌عنوان نمایندگان مرجعیت شیعه ایران به مناطق و کشورهای مختلف از مصر، مکه، مدینه و آفریقا گرفته تا اروپا و آمریکا اعزام شدند و با تأسیس مراکز اسلامی به امر تبلیغ اسلام و آیین تشیع پرداختند. آیت‌الله شیخ علی عراقچی در خاطرات خود درباره این اقدام آیت‌الله بروجردی چنین نوشته است:

«... آقای بروجردی جهانی فکر می‌کردند، یک دلیلش همین است که ایشان عقیده داشتند مردم دنیا در اروپا، آمریکا و جاهای دیگر مستضعف هستند، اینها حق را دریافتند و اسلام را درک نکردند، از زیبایی‌های اسلام و قرآن بی‌اطلاع هستند. می‌فرمود: اگر ما بتوانیم با یک قلم ساده و روان و با بیانی شیوا و جذاب، واقعیت‌های اسلام را به اینها بشناسانیم، زود جذب اسلام می‌شوند... به همین خاطر ایشان نمایندگانی را به بعضی کشورهای اروپایی فرستادند...» [5]

سپس و در ادامه می‌افزاید: «... در اثر فعالیت‌های اولین نمایندگان ایشان مانند آیت‌الله محقق، بعضی اساتید دانشگاه‌ها و دانشمندان خارجی، گرایش‌هایی به اسلام پیدا کردند و این باعث شد که آقای بروجردی شوق و اهتمام بیشتری به امر تبلیغ در خارج از کشور پیدا کنند» [6]

مهم‌ترین اقداماتی که در این دوران و با هدف تبلیغ دین اسلام و فقه شیعی با حمایت‌های آیت‌الله بروجردی انجام شدند عبارت‌اند از:

الف) تأسیس مرکز اسلامی هامبورگ

آلمان یکی از اولین کشورهای بود که در زمینه اعزام مبلغ مورد توجه آیت‌الله حائری قرار گرفت. به همین دلیل نیز در دهه 1330ش شیخ محمد محقق لاهیجی با دستور آیت‌الله بروجردی به عنوان اولین سفیر راهی تبلیغ در آن دیار شد و مسجد امام علی(ع) معروف به مسجد گنبد آبی را پایه‌گذاری کرد. در امتداد آن، جمعیت اسلامی و سپس مرکز اسلامی هامبورگ راه‌اندازی شد [7]. عملیات ساخت مرکز اسلامی هامبورگ، در ۲۴ بهمن ۱۳۳۶ش با حضور محقق، نماینده آیت‌الله بروجردی، آغاز گردید، اما ساختمان مرکز یادشده، تا پایان عمر آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ش به پایان نرسید. با این‌حال، مرکز اسلامی هامبورگ، در کنار مسجد هامبورگ، با هدف تحت پوشش قرار دادن همه مسلمانان از کشورها و مذاهب مختلف، از بهمن ۱۳۴۴ش به ثبت رسید و محدوده فعالیت خود را کشور آلمان و سایر کشورهای اروپایی تعریف کرد [8].

ب) انتخاب مهدی حائری یزدی به عنوان سفیر دینی در آمریکا

در سال‌های پایانی دهه 1330ش که مصادف با دوره‌ای از تشدید سلطه شاه بر کشور و ایجاد خفقان بود،

آیت‌الله بروجردی تصمیم گرفت مهدی حائری یزدی (فرزند مؤسس حوزه علمیه قم) را به نمایندگی از سوی خود به آمریکا اعزام کند تا در آنجا ضمن رسیدگی به امور شیعیان، به فعالیت‌های تبلیغی بپردازد؛ در نتیجه، حائری یزدی در سال 1339ش به عنوان مجتهد تام‌الاختیار از سوی آیت‌الله بروجردی عازم آمریکا شد و فعالیت‌های خود را در شهر واشنگتن آغاز کرد. حائری یزدی در کتاب خاطرات خود نوشته است: «هدف آیت‌الله از این اقدام، پاسخگویی به مسائل مذهبی و شرعی دانشجویان مسلمان بود».^[9] آیت‌الله حائری در جهت تحقق این هدف و با کمک مالی آیت‌الله بروجردی و یاری جمعی از دانشجویان، انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا را تشکیل داد و همچنین با راه‌اندازی یک انتشارات، و چاپ و پخش جزوه‌های دینی، کوشید آموزه‌های احکام را در موضوعات اخلاق و مذهب و بعضاً در قالب پاسخ به سؤالات دانشجویان تبلیغ کند.^[10]

ج) معرفی و تأیید آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی به عنوان نماینده خود در مصر
آیت‌الله بروجردی افزون بر تلاش برای معرفی و گسترش اسلام شیعی، با ایجاد سازوکارهایی نظیر اندیشه وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی دیدی کاملاً اصلاح‌طلبانه را در فقه شیعی حاکم ساخت و پس از قرن‌ها به واسطه ارتباط خوب با شیخ الازهر بین روحانیت شیعه و سنی ارتباط منطقی و منسجمی را ایجاد کرد و این باعث به رسمیت شناخته شدن شیعه و فقه شیعی با فتوای تاریخی شیخ شلتوت شد.^[11] در همین راستا، آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی را نیز به عنوان نماینده خود در مصر و دارالتقریب تأیید کرد و به واسطه ایشان مکاتبات چندی با شیوخ وقت الازهر به عمل آورد؛ به گونه‌ای که به‌طور مرتب جریانات و مذاکرات دارالتقریب را از طریق آیت‌الله قمی جویا می‌شد.^[12]

این تدابیر به تحکیم و افزایش وحدت علمای شیعه و سنی منجر گردید. به تدریج بسیاری از سوء تفاهات و بدبینی‌ها در میان طیف زیادی از علمای طرفین رفع و رجوع گردید. این تعامل و همبستگی در نهایت مدور فتوای تاریخی شیخ شلتوت، شیخ معروف جامع الازهر، در رسمیت مذهب تشیع و مجوز تدریس کرسی شیعه در آن مرکز علمی را در پی داشت.

د) تلاش برای اعزام نماینده به دیگر کشورها
مرجعیت شیعی ایران در این دوره علاوه بر اعزام نمایندگان و مبلغان رسمی دینی به نقاط یادشده، در تلاش بود این جریان مذهبی - فرهنگی را به سایر کشورها نیز تسری بخشد. درخواست فراهم کردن زمینه‌های اعزام شیخ محمدتقی فلسفی به آمریکا، برنامه اعزام ثقه الاسلام سید نورالدین طاهری به آفریقا (زنگبار)، درخواست اعزام سید جمال‌الدین حائری‌زاده گلپایگانی به اندونزی و... از جمله

تلاش‌های آیت‌الله بروجردی در این زمینه بود که البته برخی از آنها به دلایلی عملی نشد.

فرجام سخن

آیت‌الله بروجردی با اعزام مبلغان دینی به برخی کشورهای جهان، حوزه تعامل مرجعیت مذهب شیعه به مرکزیت قم را از داخل به خارج از کشور گسترش داد و تلاش کرد مناطق شیعه‌نشین جهان را تحت قلمرو ایران شیعی مورد حمایت معنوی و تبلیغی قرار دهد. این اقدام او به تعامل با اندیشه‌های رقیب و ایجاد فضایی از تسامح مذهبی انجامید.

پی‌نوشت‌ها :

- [1] . رحیم روحبخش، «میراث آیت‌الله بروجردی»، فصلنامه گفتگو، ش 32 (تابستان 1380)، صص 35-7.
- [2] . رسول جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های 1320-1357ش، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1386، صص 36 و 94.
- [3] . رحیم روحبخش، همان.
- [4] . جلال درخشه، گفتمان سیاسی شیعه در دوران معاصر، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، 1386، ص 161.
- [5] . علی عراقچی، پرتو آفتاب (خاطرات حضرت آیت‌الله حاج شیخ علی عراقچی)، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره)، 1389، ص 120.
- [6] . همان، ص 121.
- [7] . همان‌جا.
- [8] . محمدباقر انصاری محلاتی، تاریخچه مسجد و مرکز اسلامی هامبورگ، هامبورگ، مرکز اسلامی هامبورگ، ۱۳۷۴.

[9]. . خاطرات دکتر مهدی حائری‌زاده: استاد فلسفه و فرزند بنیان‌گذار حوزه علمیه قم، به کوشش حبیب‌لاجوردی، تهران، کتاب‌نادر، 1382، ص 39.

[10]. همان، ص 41.

[11]. مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، تهران، صدرا، 1368، ص 57.

[12]. عبدالمجید معادیخواه، جام شکسته، ج 2، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1384، ص 173.

منبع یادداشت: <https://ir.iichs/vdccc0qi/2bq0e8l2a2.html>